

ارتباط اجزای شخصیت با استرس های زندگی در قالب "سطوح بودن" کلونینگر در بیماران مبتلا

به اختلال افسردگی اساسی و افراد عادی

چکیده مقاله :

سابقه و هدف: افسردگی با ایجاد اختلال عملکرد در حوزه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی، در بین اختلالات روانپزشکی بزرگترین عامل بار بیماری جوامع در عصر حاضر می باشد. با توجه به وجود ارتباط پیچیده بین شخصیت و افسردگی، برخی اشکال شخصیت ممکن است فرد را مستعد افسردگی نموده و از طرف دیگر افسردگی و علائم در نتیجه شخصیت های متفاوت به صورتهای مختلف بروز می یابد.

مواد و روش ها: مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و جامعه آماری شامل ۱۲۸ بیمار افسرده اساسی و ۱۳۱ فرد عادی می باشد که داده ها از طریق پرسشنامه سرشت و منش کلونینگر، مقیاس افسردگی همپلتون و پرسشنامه استرس هولمز راهه جمع آوری شده و در نرم افزار SPSS 18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: در مقایسه بین دو گروه مشخص گردید افراد مبتلا به افسردگی اساسی از نظر سرشت های اجتناب از آسیب، پاداش خواهی و پشتکار، منش های خودراهبردی و همکاری، میزان استرس های تجربه شده بر اساس پرسشنامه هولمز راهه و سطوح استرس هیجانی و عقلانی در قالب "سطوح بودن" با افراد عادی دارای تفاوت معنی داری می باشند. افراد دارای افسردگی اساسی اجتناب از آسیب، پاداش خواهی و پشتکار بالا و خودراهبردی و همکاری پایین تری نسبت به افراد عادی تجربه می کنند.

بحث و نتیجه گیری: نتایج نشان داد افراد افسرده و عادی از نظر منش و سرشت، "سطوح بودن" کلونینگر و میزان استرس های تجربه شده از یکدیگر متفاوت بوده و این عوامل می توانند در شدت افسردگی موثر باشند.

کلید واژه ها: افسردگی اساسی، سرشت و منش کلونینگر، سطوح بودن، استرس